

کافا

نشریه فرهنگی سیاسی صنفی دانشجویان علوم پزشکی فسا
سال سوم، شماره یازدهم، هفته سوم و چهارم فروردین ۹۸
صاحب امتیاز: کانون کفا مدیرمسئول: محمد راسخی سردبیر: حسین نوروزی
نویسندگان: الهه استوار، امین دخیلی، سمانه دهقان، مصیب رئیسی، محمد راسخی، سعید رحیمی،
فاطمه سعیدی زاده، فاطمه شریعتی، محمد طاطی، ادیبه مسجدی، علیرضا مروت، علی نکوئیان

راه های ارتباطی ☎ فضای مجازی: @kafa_fums تلفن همراه: ۰۹۳۷۹۲۳۵۶۱۶

یادداشت

یکی: هدیه ترامپ
دو: فراتر از مرزها

صفحه ۲



طنز

یکی شوخی آرام!!
با بچه های پزشکی ۹۶

صفحه ۸



پرونده

دو راهیان نور

صفحه ۵ و ۶

خفتگان بیدار
محول الاحوال
گاهی باید نوشت...
توریست های خطه خوزستان

*عکس

چند هفته پیش از فضای سبز دانشگاه انتقاد کردیم. پس از کش و قوس فراوان! فرصت شد که صحبت های مسئولین را در این زمینه بشنویم. این نوشته حاصل مصاحبه ای است با دکتر جمشیدی



مصاحبه

با دکتر جمشیدی
در مورد فضای سبز

کم آبی متهم ردیف اول مشکلات. متهم بعدی پول!
یکی از دو چاه دانشگاه کاملا غیر فعال است!
تنها ۵۰ درصد درختان آبیاری قطره ای می شوند!

صفحه ۳

عده ای از دانشجویان و مسئولین عازم مناطق سیل زده شدند برای کمک به مردم گرفتار آنجا. در این پرونده عکس ها و نوشته های این جهادگران را مشاهده خواهید کرد



پرونده

یکی کمک به سیل زدگان

صفحه ۴ و ۵

آن روی سکه سیل
حب الحسین یجمعنا

*عکس

- همراه با نهاد نمایندگی رهبری صفحه ۲
- طنز؛ تشریح برای هزارمین بار صفحه ۷
- ادبی مذهبی؛ انتظار و انتظار! صفحه ۷
- علم و دانش؛ گیاه افسنطین شیرین صفحه ۷
- معرفی سایت پرسمان صفحه ۸
- شعر طنز؛ مجرد خوش به حالت صفحه ۸

یادداشت هدیه ترامپ

ترامپ تقویم ایرانی ها را خوب بلد است بهتر از بعضی از ماها! از چند ماه قبل اش ۱۳ آبان را برای تحریم های مجدد ایران معرفی کرد. یعنی همان روزی که سفارت کشورش در ایران تسخیر شد. ۱۹ فروردین امسال یعنی روز پاسدار، سپاه را تروریست می خواند. برخلاف تقویم، یک چیزهایی را هم «نمی داند». اینکه مثلا همین تروریست خواندن سپاه وحدت را بین گروه های سیاسی می افزاید. یا اینکه مثلا همین خروج از برجام و تحریم مجدد چهره اش را لجن تر از قبل می کند. ممکن است نگارنده را متوهم بدانید و بگویید ترامپ را دست کم گرفته ای که می گویی «نمی داند». شاید! اما من از شما می پرسم! آیا ترامپ اتحاد را دست کم نگرفته؟ چه کسی فکرش را می کرد یک روزی بیاید که مثلا یک فعال سیاسی که خودش از سوی سپاه بازداشت شده و حبس کشیده، بیاید و از سپاه حمایت کند؟ یا اینکه یکی از اصلاح طلب ترین نماینده های مجلس - که بارها روی خط قرمز حرکت کرده و شاید حتی از آن عبور!- برای حمایت از سپاه عکس پروفایل توئیترش را نیز بعد از مدت ها تغییر دهد و عکسی با لباس سپاهی بگذارد؟ همان ها که بارها گفته اند فلان و بهمان را پادگان نکنید چند روز پیش با لباس سپاه وارد مجلس شدند. آیا اعتقادشان تغییر کرده؟ نه! ترامپ کاری کرد که سپاه شد سمبلی برای اتحاد! نشانه ای برای مقاومت!

تصمیم پرزیدنت بار دگر اشتراکات را برجسته کرد. حالا دوباره می پرسم! به نظر شما ترامپ حداقل کمی اتحاد را دست کم نگرفته؟! اتحاد و همدلی گوهر بزرگی ست و سپاه پاسداران باید قدرش را بداند. خدا خواست و عدو باز هم شد سبب خیر!

یادداشت فراتر از مرزها

خبرهای دریافتی حاکی از ورود نیروهای حزب الله لبنان به ایران است «هم اکنون تعداد قابل توجهی از نیروهای حزب الله لبنان به بهانه امداد رسانی به اهالی سیل زده ایران، در مناطق سیل زده مستقر شده اند»

ورود نیروهای حزب الله لبنان در حالی صورت می گیرد که پیشتر اعلام شده بود گروهی موسوم به فاطمیون که عنوان مدافعان حرم را با خود یدک می کشند از کشور افغانستان وارد خوزستان و لرستان شده اند.

نماینده حزب الله لبنان در قم، شیخ معین دقیق روز سه شنبه در مصاحبه با خبرگزاری تسنیم ضمن تایید ورود نیروهای حزب الله لبنان به ایران گفته است که حسن نصرالله رهبر این گروه از «جوانان لبنانی» خواسته است برای کمک به سیل زدگان به ایران بروند و با تمام توان در کنار نیروهای جهادی، هلال احمر و نیروهای مسلح ایران باشند. او افزوده است که هم اکنون برخی جوانان در حال عزیمت به مناطق سیل زده ایران هستند.

همچنین طی هفته گذشته، نیروهای حشد الشعبی عراق هم به مناطق سیل زده ایران رفتند که هدف از این اقدام نیز «کمک به سیل زدگان» بود

سالیان دراز است که جوانان ایرانی برای کمک به مظلومان و نیازمندان عازم کشورهای منطقه میشوند و این حرکات نوعی پاسخ مثبت به حمایت های مردم و حکومت جمهوری اسلامی می باشد که نشان از وقوع تحولی فرهنگی از نوع تغییر مرز های سرزمینی به مرز های انسانی و حقیقی با محوریت و ابداع جوانان ایرانی و شیعیان می باشد

همراه با نهاد



دیدار اعضای دفتر نهاد رهبری و جمعی از دانشجویان فعال فرهنگی با امام- جمعه شهرستان، حجت الاسلام جمالی زاده



طرح هفتگی دیدار با خانواده شهدا: این هفته شهید حمیدرضا شب بویی



مصاحبه

با دکتر جمشیدی در مورد فضای سبز

امین دخیلی اردستانی

پس از چهار بار درخواست از حوزه معاونت توسعه دانشگاه علوم پزشکی فسا، در مرتبه چهارم توانستم از این معاونت، فرصت مصاحبه در مورد فضای سبز دانشگاه را گرفته و پیام دانشجویان و گلایه های آن ها در مورد فضای سبز را به گوش این معاونت برسانم.

دکتر حسن جمشیدی دارای دکترای سلامت در بلایا و فوریت ها بوده و به مدت ۱۷ ماه است که سکان دار معاونت مدیریت و منابع دانشگاه است.

این مصاحبه که در ساعت سه و نیم بعد از ظهر در روز ۲۵ فروردین ماه انجام شد در حالی بود که دکتر جمشیدی پس از جلسات متعدد اداری با ریاست دانشگاه و دیگر نهاد های دانشگاهی در پایان کار اداری این مصاحبه را پذیرفتند.

بنده وقتی وارد اتاق دکترشدم، انتظار داشتم ایشان را مستقیما در مقابل خود، در بدو ورود به اتاقشان ببینم در حالی که آرایش اتاق به گونه ای بود که ایشان در طرف دیگری از اتاق مشغول کارهای خود بودند، در حالی که زمان کار اداری به پایان رسیده بود. نوشته حاضر حاصل پاسخ ها و صحبت های ایشان است

دستور نهاد های بالادستی، باید در هزینه های خود ۳۰ درصد صرفه جویی کنیم.

بنابر صحبت هایی که شد به دو دلیل کم آبی شهرستان فسا و صرفه جویی در هزینه های جاری دانشگاه و بار مالی سنگین توسعه فضای سبز (علی رغم این که جزء آمال معاونت ما هست که بوستانی شکل را برای رفاه حال دانشجویان، کارمندان و اعضای محترم هیئت علمی ایجاد کنیم) ترجیح می دهیم هزینه ایجاد این بوستان را برای توسعه زیر ساخت های دانشگاه و تکمیل پروژه های نیمه تمام صرف کنیم.

برنامه امسال دانشگاه برای

حفظ و توسعه فضای سبز

ان شاء الله در سال جاری و با تفضل خداوند، بلوار اصلی دانشگاه که از درب اصلی تا محل آبنما (که مسیر مشایعت میهمانان ما نیز هست) به صورت کامل به سازی خواهد شد و در راستای این هدف و خود کفایی در عرصه توسعه فضای سبز دانشگاه دو نفر از کارکنان فضای سبز را برای فراگیری دوره های باغبانی برای آموزش خواهیم فرستاد.

هم چنین درختان زیر کشت آبیاری قطره ای را ۱۰ درصد افزایش می دهیم.

خلاصه مشکلات

باز هم تاکید میکنم که دلیل عدم توسعه فضای سبز، کمبود منابع آبی در درجه اول و کمبود منابع مالی در درجه دوم است.

که در چنین شرایط سختی برای روستا های همجوار، مصرف آب شرب خود برای توسعه فضای سبز دانشگاه را زیاد تر کنیم. تمام تلاش ما بر این است که با همین مقدار آب زیر زمینی و آب شرب، همین فضای سبز فعلی و درختان را نگه داریم.

مشکلات مالی

اگر بخواهیم فضای سبز دانشگاه را توسعه دهیم از اردیبهشت ماه سال جاری تا شهریورماه، نیاز به ۵۰ هزار لیتر آب داریم که حتی خریدن آن نیز بار مالی سنگینی



را بر دانشگاه تحمیل می کند. به علاوه هم اکنون ۴ نفر در فضای سبز دانشگاه مشغول هستند که برای توسعه این فضا ما نیاز به ۴ نفر نیروی دیگر و تامین مواد اولیه باغداری نیز هستیم که هزینه این طرح را مضاعف می کند و انجام آن را غیر ممکن.

بنده از ۱۷ ماه قبل که به عنوان معاونت توسعه در خدمت دانشجویان عزیز و دانشگاهیان محترم هستم، کاهش هزینه های جاری دانشگاه سرلوحه معاونت ما می باشد. به علاوه به دلیل مشکلات اقتصادی و

ماجرای دو حلقه چاه!

همانطور که دانشجویان ملاحظه می کنند، فضای سبز دانشگاه شامل انواع مختلفی از درختان هست که همه آن ها نیاز به آب دارند. ما در دانشگاه دو حلقه چاه داریم که فقط یکی از آن ها در روز و به مدت نیم ساعت فعال است و بعد از نیم ساعت به دلیل تمام شدن آب آن، نمی توانیم برداشت کنیم. چاه دیگری که غیر فعال است؛ در سال گذشته فقط برای صدور پروانه بهره برداری از آن نیاز به مبلغ ۷۰۰ میلیون تومان داشت (بدون در نظر گرفتن هزینه های لایروبی که به دلیل بار مالی سنگین و نیز مشاوره با کارشناسان حوزه آب، این طرح مسکوت مانده است).

مشکلات آبیاری درختان زیاد دانشگاه

ما در دانشگاه ۳۰۰ درخت نخل، ۸۰۰ درخت نارنج، ۳۰۰ درخت اکالیپتوس، ۱۵۰ پالما و سرو و ۱۵۰ درخت متفرقه داریم.

سطح زیر کشت درختانی که نیاز به آب دارند ۷ هکتار است. ۵۰ درصد درختان مذکور به روش قطره ای آبیاری می شوند و ۵۰ درصد مابقی که امکان قطره ای شدن

برای آن ها وجود ندارد و یا برای ما مقدور نبوده است، این درختان به صورت غرق آبی آبیاری می شوند.

کم آبی شهرستان فسا

مشکل شدید کم آبی در شهرستان فسا مانع از آن شد که ما آنطور که می خواهیم و از ابتدا در دستور کار معاونت ما بود بتوانیم فضای سبز دانشگاه را توسعه بدهیم. تا آنجایی که بعضی از روستا های فسا در فصل تابستان با تانکر های آب سیار آبرسانی می شوند، بنابراین انصاف نیست

پرونده

کمک به سیل‌زدگان

حب الحسین یجمعنا مصیب رئیسی

همون دقایق اول که بچه‌ها همدیگه رو دیدن و سوار اتوبوس شدم چنان صفا و صمیمیتی را بین جمع احساس کردم که فکر کردم بچه‌ها چندین سال است همدیگه رو میشناسن و از همون ابتدا شروع کردیم به شوخی و سرو صدا به حدی که که صدای اعتراض بقیه مسافرا بلند شد. این صفا و صمیمیت و همدلی در طول اردو با شدت بیشتری بین ما حاکم بود و همین موضوع به یه سؤال بزرگ تو ذهنم تبدیل شده بود که «تو این دوره زمنه که آدم حتی با برادر خودش هم احساس راحتی نمیکنه چه چیزهایی باعث شده اینقدر با هم راحت باشیم؟ با وجود اینکه تفاوت‌های قومی، نژادی و فرهنگی با هم داریم! و چند روزه با هم آشنا شدیم و تازه اسم خیلیاشون رو هم نمیدونستم!»

یهو این آیه قرآن به ذهنم اومد که «واعتصموا به حبل الله جمیعا و لا تفرقوا» این آیه دقیقا جواب سؤال من بود: همگی به ریسمان الهی چنگ بزنید و متفرق نشوید. و من واقعا طی این چند روز این ریسمان رو که نه تنها مایه همدلی گروه ما بلکه باعث هم‌صدایی تمام مردم ایران و حتی کشورهای همسایه شده بود رو به خوبی حس کردم و این ریسمان به نظرم همون اهل بیت هستند که عشق به اونا در دل تک تک بچه‌ها وجود داشت. و این بود دلیلی که ماها رو با تموم سختی‌هاش ما رو به مناطق سیل‌زده کشوند

بیشتر که فکر میکنم میبینم این چیز کم‌یابی هم نیست. هر ساله موقع اربعین ۲۰، ۳۰ میلیون جمعیت از کشورهای مختلف با فرهنگ‌های متفاوت در کمال آرامش و بدون هیچ‌گونه درگیری دور هم جمع میشن...

علی نکوئیان

منی که تا قبل از آن که کتابی را آب ببرد و بچه‌هایی بی سرپناه شوند و مادری درمانده... بی خبر بودم از مشکلات ریز و درشتی که مردمان کشورم هر روز با آن دست و پنجه نرم می‌کنند... منی که تا قبل از نزول این نعمت! نمیدانستم در گوشه‌ای از این سرزمین، هستند کسانی که بدون داشتن ساده‌ترین امکانات زندگی، روزگار می‌گذرانند! (و البته هستند گمنامانی که زندگی‌شان را وقف رسیدگی به آنان کرده اند)

اگر چه همه‌ی آن‌ها با قامتی استوار و رویی گشاده کمر همت بسته بودند به احیای زندگی خود و ترمیم خانه و کاشانه و اگر چه عشقی که بین آن‌ها و بچه‌های جهادی موج می‌زد را با تمام وجود احساس کردم...

اما هنوز هم فکر میکنم به آن‌ها بدهکارم... کاش قبل از نزول این نعمت بیدار میشدم... اما الان حداقل امیدوارم که بیدار بمانم...

آن روی سکه سیل

سیل یک نعمت است! البته با کمی تکمیل! نه همه جا، نه برای همه و نه همیشه...

شاید برای آن کودک ۱۰ ساله‌ای که تا چند روز قبل با شادمانی در خانه‌ی نوسازشان مشغول ورق زدن کتاب‌های درسی‌اش بود و امروز بی آن که بداند سیل، کتاب‌هایش را کجا برده، باید با خانواده‌اش در یک چادر کوچک روزگار بگذراند، خبری از نعمت نباشد...!

شاید برای آن مادری که با چهار فرزند قد و نیم قدش مجبور شدند بخاطر سیل تنها سرپناهمان (که قبل از آن هم خرابه‌ای بیش نبود) را ترک کنند تا از خطر ریزش سنگ‌های بالا دست تپه‌درامان باشند، واژه‌ی سیل تنها تداعی‌کننده یاس و اضطراب و وحشت باشد...

اما هنوز هم سیل می‌تواند نعمت باشد؛ البته بعضی جاها و برای بعضی‌ها...!

می‌پرسید کی؟ خب خود من!



یه مادری با دو تا بچه‌اش با حسرت، خونه‌ی آب گرفته‌شون رو نگاه میکردن 😞😞

عکس از حمیدرضا دارابی
استان خوزستان، شهرستان
شوش، روستای سید عباس



عکس از علی نکوئیان
استان لرستان، روستای
چرخستانه، بخش شاهینود

یه خونه‌ای بود که تازه ساخته بودن بالای تپه بود...

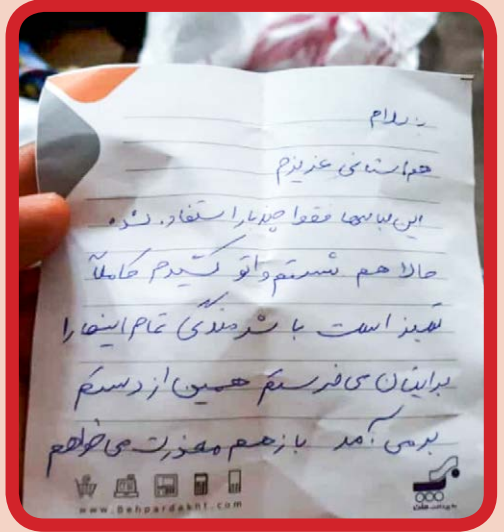
یه مقداری از وسایلشون رو خالی کرده بودن...

یه مقداری هم مونده بود زیر گل و لای...

پرونده کمک به سیل زدگان

عکس از حمیدرضا دارابی
استان لرستان،
شهرستان دوره
چگینی، بخش
شاهیوند، روستای
چم پلک

این متنی هست که تو یکی از بسته های ارسالی به مناطق سیل زده پیدا شد



عکس از مصیب رئیسی

اینجا روستای چم پلک هست در آشپزخانه ای که داشتیم غذا میپختیم این هم یکیش پاسدار هست یکیش طلبه



پرونده راهیان نور

توریست‌های خطه خوزستان

محمد راسخی

نقدی اقتصادی بر اردوهای راهیان نور

این نقد خلاصه‌ای است از صفحات ۶۸ تا ۷۰ کتاب نجات نفت از رضا امیرخانی (نشر افق، چاپ پانزدهم)

(۱) وضعیت اقتصادی استان خوزستان خراب است و این خطه با وجود داشتن منطقه آزاد همچنان فقیر مانده

(۲) سالانه حدود ۲ میلیون نفر از سراسر کشور به این اردوها می‌آیند. غالباً هنگام عید. این ۲ میلیون نفر طبیعتاً توریست محسوب می‌شوند اما این توریست‌ها اصلاً نقش توریست را بازی نمی‌کنند یعنی ثمره اقتصادی برای خوزستان ندارند

(۳) چرا ثمره‌ای ندارند؟ آب‌شان را بسته بسته از تهران و سایر شهرها می‌آورند تا گرفتار آب شور جنوب نشوند. غذاشان را از آشپزخانه سپاه تحویل می‌گیرند (در صورتی که می‌توان از مردم همانجا خواست آشپزخانه راه‌اندازی کنند). شب را در سوله‌های بدریخت ارتش و سپاه می‌گذرانند (مردم خودشان نمی‌توانند کمپینگ درست کنند و با مبلغی کم اجاره دهند؟). اتوبوس‌ها باک بنزین‌شان را نه در پمپ‌های شهر که در پمپ‌های تعبیه شده در پادگان‌ها پر می‌کنند. سوغاتی هم اگر بخواهند بخرند نه از شهرهای خوزستان که در بین راه از اصفهان و یزد و ... می‌خرند.

(۴) پیشنهادات دیگر برای اقتصاد راهیان نور: کتاب فروش‌های سطح شهر و جوانان بومی آنجا محصولات فرهنگی‌شان را بیاورند بین زائرین این وادی مقدس؛ دستشویی و حمام پولی تا مبلغ اجاره کمپینگ نفری هم پایین تر بیاید

(۵) ای کاش فضا داشتیم و کل این چند صفحه را برایتان بیاورم تا حق مطلب ادا شود...

گاهی باید نوشت...

ادیبه مسجدی

گاهی باید نوشت... باید نوشت از رشادت مردانی که خود را جوهر قلم ما کردند تا بنویسیم «اسلام و مسلمان» پاک و منزّه است خدایی که مرا لایق وصل سرزمین دلدادگی دانست و به من لطف خود را شامل کرد تا به سرزمینی قدم بگذارم که به سرزمین خون و عشق و لاله های پرپر شده شناخته شده است.

جایگاه مقدسی که بدن‌های آزاد مردانی بر روی آن تکه تکه شده بود به خوبی می‌شد وجود نازنینشان را حس کرد.

حتی من رد چکمه‌های آنها را بر روی خاک حس می‌کردم. چه تن‌هایی که روی همین خاک‌ها به خون غلتیدند و چه آغوش‌هایی که با لذت برای شهادت گشوده می‌شد. با چشمان بسته جوانان و نوجوانان و حتی پیرمردهایی را دیدم که برای حفظ سرزمین و ناموسشان خود را طعمه‌ی چرخ‌های بی‌رحم تانک کردند.

دیدم شیرمردانی را که سرشان متلاشی از خمپاره‌ها بود.

شنیده بودم از کسانی که پا به این صحرای عرفات گذاشته بودند. از عمق وجود ایشار و از خود گذشتگی آن‌ها را حس کردم. ایشاری که تنها راه قدردانی آن، ادامه دادن راهشان با بصیرت است.

با چشمان بسته زیر لب گفتم شهدا برای همراهی آماده‌ایم.. زمزمه‌های شنیدم... زمزمه‌ی رزمندگانی که زیارت عاشورا می‌خواندند.. چشم که باز کردم لاله‌ی سرخ رو برویم بودند.. گونه‌هایم تر شد و فقط گفتم: لبیک یا حسین...

پرونده راهیان نور

محول الاحوال سمانه دهقان

خفتگان بیدار فاطمه شریعتی

بکشم. آنها سالها قبل از به دنیا آمدنم خود را فدای من کردند. آنها راه زندگی کردن را به من آموختند. راه اینکه چگونه میتوان شهید زندگی کرد و در آخر شهید شد.

نجوای ذره ذره خاک شلمچه، طلائی، فکه و هویزه در گوشم می‌پیچد... اینجا متفاوت از هر جایی است. می‌گویند اینجا ما میهمانیم و شهدا میزبان. نمی‌شود میزبان در میهمانی خودش حضور نداشته باشد. نمی‌شود میهمان چیزی بخواهد و میزبان به او ندهد. محال است!

ای شهدا برایمان دعا کنید و روز محشر شفیعمان باشید و در ادامه دادن راهتان یاریمان کنید. شهدا در سال جدید محول الاحوال ما باشید. الحق که با شما بودن احسن الحال است. به امید آنکه سال دیگر دوباره در شلمچه با شما تجدید پیمان کنم.

سلام بر قطره قطره خون شهدا اینجا آسمانی ترین نقطه زمین است. اینجا حس میکنم تا خدا فاصله ای ندارم. دوست دارم سرم را روی زانوی خاک بگذارم و حق هق گریه هایم را در فضا رها کنم.

تصمیم گرفته‌ام چراغ تکلیفم را روشن کنم. اینجا بهترین جا برای تنظیم هوای نفس است. خودم را که ورق میزنم و گذشته‌ام را مرور میکنم چیزی برای گفتن نمی‌یابم. تا به حال کاری برای شهدا نکرده‌ام تا بتوانم سرم را بالا بگیرم و به چهره‌شان نگاه کنم. دلم می‌گیرد. سرم را پایین می‌اندازم. اما زمین هم مرا شرمند می‌کند. حس میکنم هنوز هم خون شهدا روی زمین مانده است. با خود فکر میکنم برای چه شهدا مرا دعوت کرده‌اند؟ من که برایشان کاری نکرده‌ام... کاش آنقدری به من امید داشته باشند که مرا حر خود بدانند. اما آنها نفسشان بند آمد تا من نفس

در وصف شلمچه

شرمندم

از اینکه پاهای آلوده به گناهم را بر روی خاک‌های آغشته به خون جوانانی می‌فشارم که انسانیت را به کمال رساندند...

و تنها اشک‌هایی را از خود به جای می‌گذارم که منبع آن، چشمان گناهکار من است...

شلمچه، طلائی، هویزه، علقمه و ...

اینجا نقطه‌ی پایان زمین است

تنها نقطه‌ای که درهای آسمان با زمین هیچ فاصله‌ای ندارد

به آسانی می‌توان بهشت را در اینجا دید

هر کدام از این مکان‌ها قصه و غصه‌ای دارد که هیچ زبانی را توان گفتن آن نیست و هیچ دلی را تاب تحمل آن.

اینجا تنها خاک نیست

خاک و خون و استخوان و گوشت و اشک

و دعا، همه و همه با هم آمیخته شده و پلی

ساخته به طرف آسمان، به سوی خدا

هنوز هم شهیدانی هستند که جسدشان،

تکه تکه بدنشان و خونشان و حتی پلاک و

سربندشان در این خاک، جا مانده است

از طلائی بگویم

از سه راه شهادت

تنها سه راهی در دنیا که هر سه راه آن

مقصدش یکی است و به خدا ختم می‌شود.

از روایانی که مجال نفس کشیدن به زائرها هم

نمی‌دادند و مدام نمک به زخم‌شان می‌ریختند

از جوانانی که چفیه بر سر گذاشته بودند و

در گوشه‌ای روی تپه‌های خاکی و تکان خوردن

شانه‌هایشان از گریه، دلت را می‌لرزاند.

آری دیگر آنجا تو متعلق به من خودت نیستی

آنجا، تو خودت نیستی

حال و هوای آنجا تو را از خودت بیرون می‌آورد

و به حال و هوای جنگ می‌برد. به سه راه

شهادت.

از همه‌ی اینها که بگذریم، ارونرود، آن

قطعه‌ی بهشتی، آن خاک‌های سرخ چیز

دیگریست

آن نیزارهای قد بلندی که وزش بادهای

وحشی، گویی به آنها شلاق می‌زنند اما قد

خم نمی‌کنند ...

نیزارها رسم ایستادگی را از آبی به ارث

می‌برند که شهدا با خون‌شان آن آب‌ها را

تطهیر کرده‌اند... آری خون شهدای غواص

و در آخر باید گفت، اینجا زندگی یعنی مرگ

و مرگ یعنی رسیدن به زندگی واقعی...



عکس از سمانه دهقان

اینجا فکه شمالی‌ست

و این هم یادمان شهید حسن باقری. اینجا ماکتی زیبا از او ساخته‌اند

حسن باقری فرمانده نابغه ۲۷ ساله که استراتژی جنگ را تغییر داد و به شناخت دقیق دشمن دست یافت و معتقد بود نمیتوانیم با دشمنی بجنگیم که او را نمی‌شناسیم.

یادمان شلمچه

اینجا شلمچه است؛ نقطه اتصال زمین و آسمان است. جایی که چشم ظاهربین جز خاک چیزی نمی‌بیند اما چشم بصیر، از اینجا تا خدا فاصله‌ای نمی‌بیند و دل، چاره‌ای جز عاشقی نمی‌یابد...



عکس از سمانه دهقان

تشریح برای هزارمین بار

(صحبت‌های کادوهای بخش آناتومی)

فاطمه سعیدی‌زاده



نگهبان سعی میکرد با نور چراغ قوه راهش رو پیدا کنه طبق برنامه هر شب باید به کل دانشکده سر میزد اون کل کلاسهای حکمت و اندیشه رو گشت و بعد از اون وارد قسمت سالن مولاژ و تشریح جسد‌ها شد و بعد از اینکه مطمئن شد کسی اونجا نیست در کلاسها رو قفل کرد و رفت...

اما نگهبان اشتباه میکرد چون هنوز چند نفر تو سالن تشریح مونده بودن.

اولی: بچه‌ها میتونید راحت باشید فکر کنم رفت دومی: امروز دیگه خیلی خسته شدم اونقدر از صبح بچه‌های پزشکی ۹۶ اومدن بالا سرم و رفتن که دیگه جونی برام نمونده. همشون ترمی یه روز اونم روز قبل از امتحان عملی یادشون میفته که باید تمرین کنن و دسته جمعی میان سالن مولاژ و تشریح و توقع نمره‌های عالی هم دارن.

سومی: نمیدونم مگه دیگه از ما چی مونده که اینقدر با دقت نگامون میکنن تازه شنیدیم یکیشون میگفت: بچه‌ها هرکدوم از قسمت‌ها که اسمش رو نمیدونید از ته جدا کنید تا فردا استاد آستانه نتونه ازش سوال بده!!!

اولی: هنوز در حق شما خوبن من اینجا از همتون قدیمی‌ترم و حتی یکی از پاهام رو کندن و با یه پا دارم به زندگی ادامه میدم.

سومی: خسته شدیم دیگه یعنی نمیخوان نیرو کمکی بیارن؟ دومی: اونروز بچه‌ها میگفتن کنار مسجد دانشگاه کنار درخت‌های توت بوی فرمالدهید شدید میاد فکر کنم مهمون جدید داشته باشیم.

اولی: بسه دیگه بگیرید بخوابید که فردا قراره برا بار هزارم تشریحمون کنن.

انتظار و انتظار!

متنی پربازدید درباره مهدویت که تحقیقات ما نشان می‌دهد از فردی به نام زکیه کاشانی نجفی است!



سلام مولای من، سلام معشوق عالمیان، سلام انتظار منتظران

می‌خواهم از جور زمانه بگویم، می‌خواهم بگویم و بنویسم از فسادی که جهان را چون پرده‌ای فراگرفته اما زمان فرصتی است اندک و انسان آدمی است ناتوان. پس ذره‌ای از درد دلم را به زبان می‌آورم تا بدانی چقدر دلگیر و خسته‌ام.

چقدر ناله مظلومانه کودکان و معصومانی را که زیر ستم اند بشنوم و سکوت کنم.

چند پیش بود که خوابت را دیدم گفته بودی می‌آیی و به اندازه تمام سال‌های نبوده‌ات با من حرف می‌زنی و به درد دل من گوش می‌دهی اما تا خواستی بگویی کی و کجا؟ از خواب پریدم و از آن شب به بعد دیگر نمی‌خوابم. راستش می‌ترسم. می‌ترسم بیائی و من خواب باشم. می‌ترسم بیائی، همه تو را ببینند و تنها من از دیدنت محروم بمانم. هنوز هم می‌ترسم... حس می‌کنم با این که شبهاست خواب به چشم ندارم اما در خواب غفلتم. همه به خواب سنگین جهل فرورفته اند و صدای مظلومان و دل شکستگان را نمی‌شنوند.

ای منجی عالمیان، جهان در انتظار توست! نیستی تا ببینی مردم روز میلادت یعنی رمز عشق پاک چه می‌کنند! چگونه بغض سنگین خود را در گلو نگه داشته اند و انتظار می‌کشند. منتظرند تا کسی بیاید و جهان را از عدل پرکند. کسی بیاید و به این جهان بی‌اساس پایان دهد بیا تا بعد از این در کوچه‌های غریب شهر روز میلادت را با بودنت جشن بگیریم و خیابان‌های تاریک و ظلمات را با نور بودنت چراغانی کنیم.

با تمام جهل و مستی تصمیم گرفته‌ام دفترچه روزگار را با پاک کن مهر و عطوفت پاک کنم و از اول با نام تو روزگار را آغاز کنم. هنوز در نخستین صفحات آن مانده‌ام و مطلبی برای نوشتن ندارم. تا پایان نوشتن انتظارت را می‌کشم.

دیوانه مسلمانی که در روزهای انتظار هزار بار به دیوانگی‌اش ایمان می‌آورد...

اثرات ضد سرطانی افسنتین شیرین



امین دخیلی اردستانی

برخوردارند و آن را از سلول‌های دیگر برداشت می‌کنند، از این رو می‌توانند روند تکثیر خود را با آهنگی سریع ادامه دهند.

مطالعات اخیر نیز نشان می‌دهند که آرتمیسینین توانایی نابودی سلول‌های سرطانی سر و گردن، مثانه، خون، ریه، پروستات، روده بزرگ و استخوان را دارد.

نیازی به گفتن نیست که پژوهشگران ممکن است یک داروی قدرتمند جدید برای مبارزه با سرطان در اختیار داشته باشند. اما چه کسی می‌داند چقدر طول خواهد کشید تا این دارو وارد بازار شود. و این که چه زمانی این کار را انجام خواهند و دارویی را از ترکیب آرتمیسینین مصنوعی با آهن مصنوعی تولید خواهند کرد.



درمان مالاریا نیز علاوه بر سلول‌های سرطانی مفید است. انگل مالاریا آهن دارد و سلول‌های سرطانی نیز به طور معمول از آهن زیادی

یک گیاه دارویی قدرتمند آسیایی با ویژگی ارتقا سلامت وجود دارد به نام افسنتین شیرین افسنتین شیرین حاوی ترکیبی به نام آرتمیسینین است که رشد و تکثیر سلول‌های سرطانی را در حضور این دارو و فراورده‌های آن، غیر ممکن می‌کند. آرتمیسینین از انگل گرفته تا باکتری، قارچ و سلول سرطانی را می‌کشد، در حالی که خللی در کار سلول‌های سالم ایجاد نمی‌کند.

برای کشتن سلول‌های سرطانی با کمک آرتمیسینین یک راهبرد وجود دارد. آرتمیسینین می‌تواند سلول‌های سرطانی را به تنهایی نابود کند (نتایج یک مطالعه نابودی ۲۸ درصد از سلول‌های سرطان پستان را نشان داد)، اما قدرت واقعی آن در مقابله با سرطان زمانی مشخص می‌شود که با آهن ترکیب شده و سپس محلولی از آن دو را بر روی سلول‌های سرطانی پستانی کشت شده، اعمال کنیم.

منبع: M aria P. Crespo-Ortiz . 2012 .
Antitumor Activity of Artemisinin and
Its Derivatives

طنز مجرد خوش به حالت سعید رحیمی

طنز تافتگان جدا بافته الهه استوار

مجرد خوش به حاله که میری زیرآبی
مجرد خوش به حاله که کلا توی خوابی
مجرد خوش به حاله که حاله کوک کوکه
 اگرچه توی جنگی با هرچی زن خوکه
مجرد خوش به حاله عجب دنیاپی داری
 همه چییت روی آبه مننه اهواز و ساری
مجرد خوش به حاله که فارغ از هراسی
 با اینترننت مفتی روی تختت پلاسی
مجرد خوش به حاله نه قسط داری نه وامی
 کارت خیلی درسته مثل همون برجامی
مجرد هرچی گفتم همش خواب و خیاله
 برو فکر دلار باصی که بی ارزشی ریاله

نماینده پزشکی ۹۶: مژده مژده 😊 بچه ها! از همه طرف برامون خوب اومده... یاشید یاشید جمع کنید برید خونه هاتون استراحت کنید خیلی خسته شدین این دو هفته بعد از عید... ۱۱ روزاکی کردم براتون 😊 فقط لیم رو آروم بکشید پوستم حساسه 😊
پرستاری ۹۶: 😊 😊 😊 بذارید تعطیلات عید تموم بشه از خواب زمستونی بیدار بشید بعدش تعطیل کنین... (با کمی حسادت) 😊 😊
هوشبری ۹۶: والا به خدا این چه وضعشه هنوز نیومده دارید میرید... پس کی درس میخونید شماها 😊 راضی نیستم ازتون اصلا 😊

بچه های ۹۴: والا ماکه اصلا تعطیلات نداریم شب و روز شیفتم کسی هم نمیگه برید یکم استراحت کنید گناه دارید 😊 اونوقت شما ۱۱ روز تعطیل کردین اونم کی؟؟ بعد از تعطیلات به ماهی عید دست خوش واقعا 😊 😊 😊
پزشکی ۹۵: بابا کاری به پزشکی ۹۶ نداشته باشید اینا به چند ماه دیگه علوم پایه دارن که از خجالتشون درمیااد... بذارید الان یکم خوش باشن. حسود نباشید. 😊 (یه جور آرامش قبل طوفانه) 😊 😊

هم اتاقیا: آخیش بهتر بذار برن ۱۱ روز نفس میکشیم...
برید دیگه برنگردین 😊 😊 ...

- پزشکی ۹۶ 😊 😊
- هوشبری ۹۶ 😊
- بچه های ۹۴ 😊
- پرستاری ۹۶ 😊
- پزشکی ۹۵ 😊 😊
- خوابگاه 😊

پرسمان
 نهاد دانشگاه علوم پزشکی فسا
 جستجو در سایت
 سوال دارم بگیری پاسخ دربره

معرفی سایت پرسمان علیرضا مروت

جوان دانشجو در برهه‌ای از زندگی قرار دارد که ذهنش پر از سوالات درگیرکننده است. از طرفی مواجهه با رسانه‌ها و منابع مختلف شبهات و ابهاماتی را در ذهن او ایجاد میکند. بنابراین یکی از نیازهای اساسی دانشجو این است که برای پرسش‌ها و شبهاتش پاسخ‌هایی جامع و در عین حال موجز پیدا کند. سایت پرسمان وابسته به نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، تلاش کرده است تا به این نیاز ضروری پاسخ گوید. به این‌گونه که با بهره‌گیری از نظرات و دانش اساتید و نخبگان رشته‌هایی چون قرآن و حدیث، تاریخ، سیاست و اندیشه سیاسی، اجتماعی فرهنگی، مسائل و حقوق زنان، روانشناسی و... به چند ده هزار سوال دانشجویان پاسخ داده است.

دانشجویان میتوانند علاوه بر بهره‌گیری از بانک گسترده پرسش‌ها و پاسخ‌ها، از پاسخ‌گویی برخط نیز استفاده نمایند. این مجموعه در راستای سهولت دسترسی، نرم‌افزاری برای سیستم عامل ویندوز و اپلیکیشن برای اندروید طراحی کرده است که میتوان با مراجعه به سایت که آدرس آن در ذیل آمده از آنها استفاده نمایند. امید است معرفی این سایت بتواند به یافتن پاسخ پرسش‌هایی که در ذهن دانشجو است کمک کند.